

1.8 وظیفه قاضی در وقت اشکال یا شبهه نسبت به فرایند تشکیل پرونده قضایی

به پرسشها و جوابهای ذیل توجه کنید:

یکم. پرسشها:

بر آشنایان به امور قضایی پوشیده نیست که عدالت شهود، فرماندهان و مأموران پاسگاه و کارشناسان همیشه قابلیت احراز ندارد. اما قانون قاضی را مکلف به پذیرش و قبول نموده است. بنا به مراتب فوق خواهشمندم به سوالات ذیل به گونه‌ای پاسخ فرمایید که عملاً بتوان از آنها استفاده کرد و در آن دنیا نیاز به آن احتجاج نمود:

الف) طریق احراز عدالت شهود چگونه است و آیا همین اندازه که مدعی یا مدعی علیه، آنها را جرح نکرده کفایت می‌کند؟

ب) طبق قانون، گزارش ضابطین قوه قضاییه حجت می‌باشد و می‌بایست مستند حکم قرار گیرد آیا در مواردی که هیچ دلیل دیگری به جز گزارش مقامات انتظامی بعنوان ضابط موجود نباشد می‌توان حکم صادر نمود؟ و اگر گزارش معنونه حجت شرعی جهت مستند قرار گرفتن در حکم ندارد از چه بابی می‌توان از آن استفاده نمود؟

ج) اگر قاضی محکمه بنا بر ظاهر پرونده (شهود، دلائل و مدارک موجود) حکمی را صادر نماید و آن حکم، خلاف واقع باشد آیا ایشان بری‌الذمة است یا ضامن؟ به عبارت دیگر در داستان معروف حضرت علی علیه السلام و آن مرد یهودی که در نزد قاضی حاضر شد، لیکن به علت عدم وجود شاهد، حق به جانب فرد یهودی داده شد آیا آن قاضی بری‌الذمة است؟

دوم. پاسخها²

«الف): معیار حسن ظاهر است که کاشف از ملکه باطن باشد و همین اندازه که افراد معاشر با او بگویند: خلاف شرع از او ندیده‌ایم کافی است. ضمناً ممکن است از شهادت مامورین به اضافه عدم نفی متهمین برای قاضی علم حاصل شود و آن می‌تواند معیار قضاوت باشد.

ب) از جواب بالا معلوم شد.

ج) در صورتی که قاضی طبق موازین قضاوت کند و کشف خلاف شود ضامن است ولی ضمانت او از بیت‌المال پرداخت می‌شود».³

ما در ادامه به نقد پاسخهای فوق می‌پردازیم.

بیان مساله

1. عطف بر ص 285.

2. از آیت الله مکارم شیرازی.

3. گنجینه استفتائات قضایی سوال 8087.

مساله مورد نظر به چند شکل قابل طرح است. گاه در شکل سنتی آن و در سیستم قضایی آزاد (که قاضی مجبور به پیروی از نهاد یا قانونی نیست) مطرح و گفته می‌شود: اگر قاضی نسبت به عدالت شهود، شک دارد، چه باید بکند؟ مساله به این شکل، در متون کهن و متاخر فقهی وجود دارد و در اطراف آن گفتگو شده است.

گاه در شکل نوین و با توجه به سیستم‌های حاکم امروز بر امر قضا مطرح می‌شود که در پرسش پیش نقل شده، ملاحظه نمودید و تفاوت اساسی آن با شکل اول این است که در شکل اول، قاضی، قانونی الزام کننده بر قبول فرایند و برابند تشکیل پرونده قضایی ندارد لکن در شکل دوم آن مجبور به قبول است. در ادامه شکل دوم باید فرض را اینگونه قرار داد که مسئول قضایی، عالم به اجتماع شرایط در شهود، و ضابطین قضایی، یا در اقرار ثبت شده در پرونده و... نیست.

تتبع

در متون فقهی در پاسخ به پرسش مطرح شده در شکل اول گفته شده (با تلخیص):

«الحاکم ان عرف عدالة الشاهدين حکم و ان عرف فسقهما أطرح و ان جهل الامرین بحث عنهما. و کذا لو عرف اسلامهما بل ایمانها ایضا و جهل عدالتهما توقف عن الحكم حتی یبحث عن ذلك فیتحقق له ما یبنی علیه من تعديل (عدالة) او جرح لأنّ الاسلام و الايمان لیسا عدالة و لا طریقا شرعا للحکم بها علی وجه یتحقق ما شرط بها من طلاق أو حکم أو ائتمام أو غیر ذلك كما عرفت الکلام فیه بما لا مزید علیه فی بحث الجماعة و قال الشیخ فی الخلاف كما عن الاسکافی و المفید: یحکم إما لأنّ الاسلام أو الايمان مع عدم ظهور الفسق عدالة، أو لأنه یحکم بها بمجردهما أو...»⁴

نکته‌ای که از متن فوق - که طبیعتا به دلیل موافقت آن با اقتضای صناعت مورد قبول دیگران نیز است به دست می‌آید - دو مطلب است:

1. قاضی، به هیچ وجه نمی‌تواند بدون اجتماع شرایط در شاهد، به داوری بپردازد.
2. با فرض شک موظف⁵ است به فحص بپردازد.

قابل توجه این که اگر به اقتضای برخی فتاوا در شاهد به مثل صرف اسلام یا ایمان در شاهد، اکتفا می‌شود نه از باب تنزل از خط قرمزی است که بیان شد، بلکه از باب توسعه در مثل عدالت و فرض جمع شرایط است و الا واضح است که صاحبان آن فتاوا نمی‌خواهند قاضی را مجاز به داوری نمایند در فرضی که به حسب ضوابط مقبول نزد ایشان، شاهد فاقد شرط لازم شرعی است. ضمنا آن چه در جهل به عدالت مطرح شد، نسبت به بقیه پدیده‌های حاضر در اطراف قضا، مثل اقرار نیز مطرح است (مثلا قاضی معتقد باشد اقرار از سر اغراء یا اجبار گرفته شده است).

4. متن شرائع با آمیخت به متن جواهر الکلام، ج 40، ص 110 و 111.

5. از باب تحصیل مقدمه واجب و امتثال آن.